

تأملی بر آثار و اندیشه‌های دکتر مسعود چلبی

# جامعه‌شناسی نظم و پروژه اصلاح جامعه

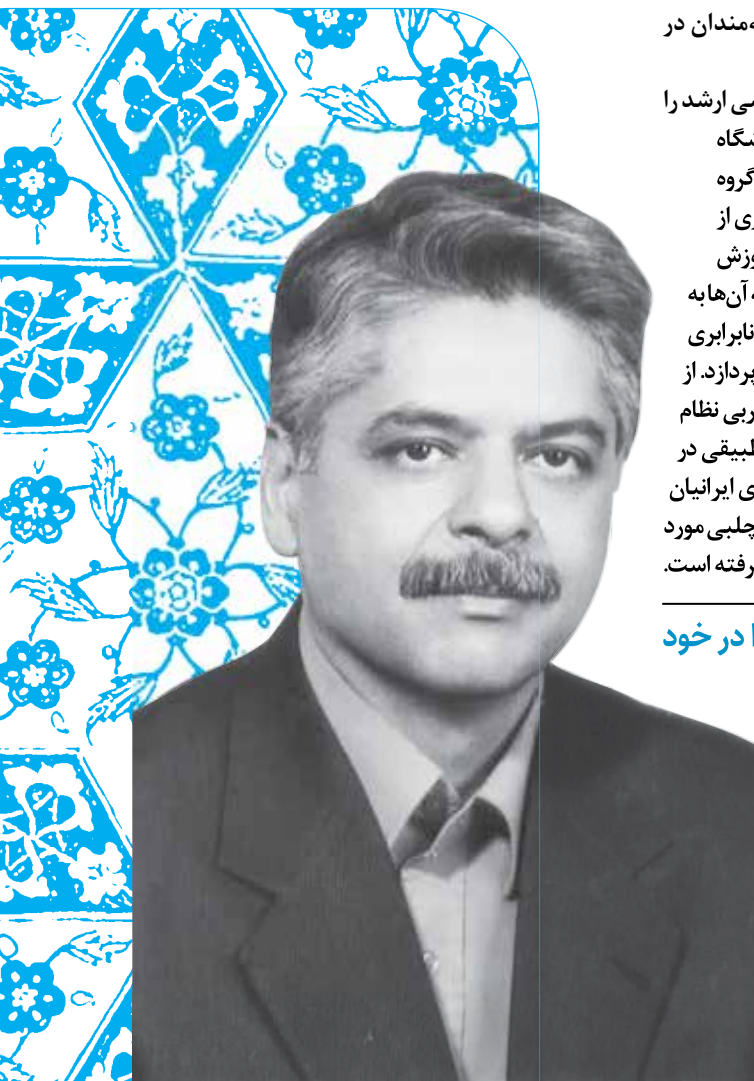
علی کمالی

## اشاره

نشست «تأملی بر آثار و اندیشه‌های دکتر مسعود چلبی» چندی پیش با حضور استادان حوزه جامعه‌شناسی، دانشجویان و علاقه‌مندان در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. دکتر چلبی متولد ۱۳۳۱ در یزد است. دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را در دانشگاه تهران گذرانده و دکتری جامعه‌شناسی خود را از دانشگاه میشیگان غربی آمریکا اخذ کرده است. وی هم‌اکنون استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی است. دکتر چلبی نمونه بارزی از یک جامعه‌شناس حرفه‌ای و انتقادی است. او تلاش وافری برای آموزش نظریه‌های جامعه‌شناسی و سپس آزمون تجربی و نیز نقد موشکافانه آن‌ها به عمل آورده است. چلبی از منظری انتقادی و تلفیقی دغدغه نظم و نابرابری اجتماعی را با هم دارد و به نقد نظام اجتماعی مولد نابرابری می‌پردازد. از دکتر چلبی تاکنون ۵ اثر شامل جامعه‌شناسی نظم، بررسی تجربی نظام شخصیت، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه‌شناسی و چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان منتشر شده است. در این نشست مجموعه آثار و اندیشه‌های دکتر چلبی مورد بررسی اصحاب علوم اجتماعی و استادان و صاحب‌نظران قرار گرفته است.

## «جامعه‌شناسی نظم» پروژه اصلاح جامعه را در خود نهفته دارد

مرحوم دکتر قانع‌راد به عنوان اولین سخنران این نشست، با اشاره به کتاب «جامعه‌شناسی نظم» گفت: «گرچه یک پروژه اصلاح پشت سر این کتاب برای جامعه ما نهفته است، اما نگاه چلبی در کتاب غیرانتقادی است و نسبت به مسئله نابرابری و محرومیت‌ها خنثاست.» قانع‌راد با اشاره به کتاب «تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه‌شناسی» گفت: «در مقاله اول این کتاب، نویسنده یک برنامه پژوهشی ارائه داده است و با توجه به اینکه ما در این حوزه در ایران ضعف بسیار داریم، این کتاب حائز اهمیت است. چلبی از معدود جامعه‌شناسان ایرانی است که در آثارش برنامه پژوهشی مطرح می‌کند.» این استاد دانشگاه درباره کتاب «جامعه‌شناسی نظم» نیز





به علل محیطی از جمله مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... اشاره می‌کنم که نامش را **محیط‌شناسی شناختی علم** می‌گذارم. اما در حوزه عام هم باید به علل درونی توجه کنیم.»

وی درباره علل درونی مشکلات نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی توضیح داد: «دوگانه‌گرایی و انواع تقلیل‌گرایی (وجودشناختی، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، معناشناختی، ارزش‌شناختی و عمل‌شناختی) از دلایل مشکلات ما در حوزه نظریه‌پردازی است. در ایران بیشترین تقلیل‌گرایی در نظریه‌پردازی در حوزه سیاست‌گرایی صورت می‌گیرد.»

عضو هیئت علمی «دانشگاه شهید بهشتی» نشانه‌های تقلیل‌گرایی در نظریه‌های مطرح شده در جامعه‌شناسی و کاستی‌های برآمده را برشمرد و گفت: «نظریه‌های هرمنوتیک و سازه اجتماعی، پدیدارشناسی، انتخاب عقلانی، تعامل‌گرایی نمادی، جامعه‌شناسی دورکیمی، و جامعه‌شناسی پارسونزی از جمله نظریه‌های حوزه جامعه‌شناسی هستند که هر کدام از این نظریه‌ها توجه خود را روی موضوعی متمرکز کرده‌اند. پیشنهاد برای دوگانه‌گرایی و تقلیل‌گرایی وجودشناختی اجتماعی، اعم از عمومی و کانونی، جزء لاینفک جامعه‌شناسی آن هم بر مبنای سیستم‌گرایی رئالیستی قلمداد شود.»

وی ادامه داد: «سیستم‌گرایی در علوم اجتماعی سابقه ۸۰ ساله دارد و تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است. اما در ایران وقتی صحبت از سیستم می‌کنیم، همه نگران برهم خوردن نظم می‌شوند. در صورتی که نظریه سیستم خود مبانی نظری قوی دارد و باید از آن استفاده کرد. سیستم‌گرایی اگر همراه با رئالیست باشد، مبانی قوی‌تری دارد.»

چلبی در بخش‌های پایانی سخنانش به اصول پایه‌ای روش علمی اشاره کرد و گفت: «اصل تکرارپذیری، خطاپذیری، شک‌نهادی، تغییرپذیری علم، امکان پلورالیزم روشی و نظری، ارتباط‌پذیری نتایج علمی، اصلاح‌پذیری دانش علمی و... از اصول پایه‌ای روش علمی است.»

**محمد فاضلی** نیز در این نشست با بیان اینکه مسعود چلبی، یکی از بزرگان دانشگاه است و از شمار همان‌ها که چون دانشگاه از ایشان خالی شود، هیچ دانشجویی الهام نمی‌گیرد، به چالش کشیده نمی‌شود و الگو پیدا نمی‌کند، گفت: «نوشته‌های مسعود چلبی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، را می‌توان نقد کرد، می‌شود با چارچوب نظریه‌اش مخالف بود، می‌شود استدلال‌هایش را به چالش کشید - همان کاری که خودش با بقیه متفکران می‌کند - اما نمی‌شود مسعود چلبی را بزرگ ندانست، سهم تأثیرش بر شاگردانش را نادیده گرفت، و تأثیر دلستگیش به علم و منطق تحلیل جامعه‌شناختی بر دانشجویانش را قدر نشناخت.»

وی یادآور شد: «دانشگاه بر دوش مسعود چلبی‌ها، استوار می‌ماند و الهام‌بخش و راهگشا می‌شود. دانشگاه ما را کمبود بودجه‌های تحقیقاتی، نبود سیاست درست علم و فناوری، کمیت‌زدگی، مقاله‌زدگی و بی‌توجهی به آموزش تهدید می‌کند. و بیم آن می‌رود که دانشگاه اندک اندک از بزرگان، استوانه‌ها و روح الهام‌بخش خالی شود. من به عمد او را **دکتر مسعود چلبی** خواندم، زیرا می‌بینم که دانشگاه پر است از «دکترها» و آنچه دانشگاه کم دارد، **مسعود چلبی** هاست.

براساس گزارش ایبنا، در نخستین جشنواره ملی نقد متون و کتب علوم انسانی از تلاش‌ها و خدمات علمی مسعود چلبی تجلیل شد.

چنین گفت: «این کتاب به مسائل روزمره در زندگی جامعه ایرانی اشاره‌ای نمی‌کند، اما اولویت‌های جامعه ما به نحوی در کتاب برجسته می‌شوند. برای مثال در یکی از فصل‌های کتاب، درباره اینکه جامعه دچار تضاد هنجاری می‌شود و نمی‌تواند کار کند، سخن گفته می‌شود و این موضوع مهمی است که ما این سال‌ها با آن سروکار داشته‌ایم.» وی افزود: «دکتر چلبی در این کتاب نشان می‌دهد که امکان یکسان‌سازی در جامعه معاصر وجود ندارد. ما اگر بخواهیم در میان قومیت‌ها، مذاهب‌ها و... هم‌گرایی ایجاد کنیم، باید به وحدت در کثرت بپردازیم. **اختلال رابطه‌های** موضوع دیگری است که در کتاب بحث شده است. متأسفانه ما در بخش‌های سیاست، فرهنگ، جامعه و... دچار اختلال رابطه‌های هستیم. بخش‌های اقتصادی ما با یکدیگر رابطه ندارند. در بخش سیاست نهادهای ما با هم رابطه ندارند و حزب‌ها و قوای مختلف فاقد ارتباط فراگیر با هم هستند. شهروندها هم با یکدیگر ارتباط مؤثر، مفید و سازنده ندارند و به عبارت دیگر، جامعه مدنی به صورت گسترده وجود ندارد. اجتماع ایرانی فاقد ارتباط کارآمد و گسترده است و در کتاب به این موضوع خیلی اهمیت داده شده است.» قانع‌راد با اشاره به اینکه ما در روابط گفتمانی هم اختلال داریم، عنوان کرد: در کشور ما درون «گفتمان‌های سیاسی، دینی، علمی و...» اختلال وجود دارد و این اختلال را از طریق گفت‌وگو می‌توان برطرف کرد. چلبی هم در این کتاب برای رفع اختلال مزبور به **هابرماس** ارجاع داده است. به گفته این استاد جامعه‌شناسی، یک پروژه اصلاح پشت‌سر این کتاب برای جامعه ما نهفته است. البته نویسنده نمی‌خواهد همه چیز را آرام کند و حتی به این موضوع اعتقاد ندارد. وی با بیان اینکه چلبی از کسانی است که با مد زمانه تغییر نمی‌کند، گفت: «او در این کتاب می‌خواهد مسئله نابرابری و بی‌نظمی برطرف شود و تلاشش هم در این اثر به گونه‌ای است که بتوان نظم اجتماعی را برقرار کرد. به هر حال با اینکه ایشان یک نظریه‌پرداز عام است، اما تمامی کارهایش قیاسی و پیشینی است. صبغه فلسفی دارد و نسبت به وضعیت تجربی خنثاست. از سوی دیگر، نگاه ایشان غیرانتقادی است و نسبت به مسئله نابرابری و محرومیت‌ها جهت‌دار نیست.

به گفته قانع‌راد، تک منبعی بودن کتاب از حیث نظری و تکیه بر **پارسونز**، نگاه اثبات‌گرایی و توجه صرف به عینیت‌ها از جمله نقص‌های این کتاب است. وی با بیان اینکه شایسته بود نویسنده در کتاب عمومی‌تری ظهور پیدا می‌کرد و در کار دانشگاهی محصور نمی‌شد؛ افزود: «ما با حرف‌های این کتاب می‌توانستیم در مسئولان بینش جامعه‌شناختی ایجاد کنیم، چون دانش جامعه‌شناسی در این کتاب جمع شده و به تحلیل تبدیل شده است. با وجود این، چلبی در کتاب به مقولات فرهنگ با روش‌های کیفی و پدیدارشناسانه نزدیک نمی‌شود، چون روی روش‌های کمی تأکید می‌کند و حتی به جامعه‌شناسی ریاضی علاقه‌مند است.»

## بیشترین تقلیل‌گرایی در نظریه‌پردازی در حوزه سیاست‌گرایی صورت می‌گیرد

**مسعود چلبی** نیز در بخش دیگری از این نشست درباره دشواری‌های ریشه‌ای نظریه‌پردازی سخن گفت و افزود: «در علوم اجتماعی از دو بعد عام و خاص می‌توان بحث نظریه‌پردازی را بررسی کرد. من در حوزه خاص

